

دایره نجفی، اهمیت و فواید آن در علم عروض فارسی

تقدیم به روان پاک استاد ابوالحسن نجفی،
خلیل بن احمد فراهیدی عروض فارسی

علی اصغر قهرمانی مقبل^۱

دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۲

چکیده

در میان عروض دانان قدیم و جدید فارسی، هیچ کس به اندازه ابوالحسن نجفی دغدغه طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی نداشته است. نجفی همچنین کوشیده است تا معیاری برای تشخیص وزن مطبوع از وزن نامطبوع بیابد. او وزن‌های مطبوع را دو دسته می‌داند: وزن‌های متفق‌الارکان (XX) و وزن‌های متناوب‌الارکان (XY). نجفی برای دسته نخست کوشیده است رکن‌های عروضی را سامان دهد که تکرار هر کدام از آن‌ها به استخراج یک خانواده وزنی منجر می‌شود. برای دسته دوم، یعنی وزن‌های متناوب‌الارکان، دایره‌ای عروضی ارائه کرده است که از آن در خلاف جهت عقربه‌های ساعت، ۸ خانواده وزنی و در جهت عقربه‌های ساعت ۸ خانواده دیگر استخراج می‌شود، به طوری که تمامی اوزان این ۱۶ خانواده‌های وزنی در ضمن وزن‌های مطبوع قرار می‌گیرند. این دایره عروضی که به نام «دایره نجفی» نام‌گذاری شده، کار طبقه‌بندی وزن‌ها را تسهیل کرده و نزدیک به ۲۰۰ وزن شعری را در خود جای داده است. در این جستار با روش توصیفی-تحلیلی، پس از بررسی تاریخی دایره‌های عروضی در عربی و فارسی، به تبیین فواید دایره نجفی در تنظیم رکن‌های عروضی، شیوه رکن‌بندی وزن‌های مستخرج از دایره و سامان‌دهی طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: عروض فارسی جدید، ابوالحسن نجفی، دایره نجفی، طبقه‌بندی وزن‌ها.

۱- مقدمه

در سدهٔ جدید ورود زبان‌شناسان به علم عروض فارسی و توصیف ویژگی‌های وزنی شعر فارسی، کمک شایانی به پیشرفت و تحول این علم کرده است. امروزه در زبان‌شناسی وزن عبارت است از ادراک حاصل از تکرار مقادیر متساوی و منفصل، و وظیفهٔ وزن‌شناسی^۱ نیز عبارت است از بررسی همین مقادیر متساوی و منفصل و نیز موارد مجاز عدول از قاعدهٔ اصلی فوق. یکی از مهم‌ترین فواید ورود تعریف سادهٔ فوق به مباحث وزن‌شناسی فارسی این بود که انگاره‌های وزنی مرکب از ارکان متفاوت از مباحث وزن‌شناسی فارسی حذف شد. مثلاً نجفی ترجیح می‌داد تا وزن مختلف‌الارکانی چون «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن» را به صورت «مستفعلن مفاعلُ مستفعلن فعل» تقطیع کند، یا یکی از وزن‌های معروف رباعی، یعنی «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فعل» را به صورت «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فع» تقطیع کند. چنانکه می‌بینیم تقطیع نجفی کاملاً منطبق با تعریف جدید وزن است و مقادیر تکرار شونده از حیث میزان موراهایشان^۲ دقیقاً مساوی هستند (نک: آروی ۲۰۰۹: ۲۵-۳۰). وزن‌شناسان همچنین برای بررسی موارد عدول از قاعدهٔ اصلی وزن سخن از قواعد مطابقه^۳ به میان می‌آورند و این قواعد را به دو دستهٔ کلی قواعد وزنی^۴ و قواعد زبانی یا نوایی^۵ تقسیم می‌کنند، و آنگاه به صورت‌بندی دقیق موارد عدول از قاعدهٔ اصلی وزن می‌پردازند. قواعد وزنی یا همان اختیارات شاعری به تصرفی اطلاق می‌شود که شاعر می‌تواند بدون خارج شدن از وزن در ساختار وزن پدید آورد (مثلاً اختیار فاعلاتن بجای فعلاتن در وزنی که از تکرار رکن فعلاتن پدید می‌آید)، و قواعد زبانی یا نوایی به قواعدی اطلاق می‌شود که طی آنها شاعر می‌تواند برای حفظ وزن زبان را به نفع انگارهٔ وزن تغییر دهد. با استفاده از همین مفاهیم ساده و روشن، وزن‌شناسان که امروزه غالباً در زمرهٔ وزن‌شناسان زایشی^۶ قرار دارند توانستند بنای محکمی را برای مطالعهٔ رده‌شناختی انواع وزن‌های گوناگون جهان در اختیار پژوهشگران بگذارند. زبان‌شناسانی چون پرویز ناتل خانلری و ابوالحسن نجفی با وارد کردن مفاهیم فوق به حوزهٔ مطالعات وزن‌شناسی شعر عروضی فارسی، دور جدیدی را در

-
1. metrics
 2. moras
 3. correspondence rules
 4. metrical rules
 5. linguistic/ prosodic rules
 6. generative metricists

بررسی شعر عروضی فارسی آغاز کردند (برای تفصیل بحث نک. نسپور و فوگل، ۲۰۰۷: مخصوصاً فصل ۱۰؛ و آروبی ۲۰۰۹: ۱-۳۹).

از دیگر مفاهیم مهمی که ورود آن به حوزه مسائل وزن‌شناسی باعث پیشرفت این حوزه از مطالعات ادبی شد، مفهوم ساده هجا بود؛ خانلری با تألیف کتاب مهم وزن شعر فارسی عروض فارسی را وارد مرحله جدیدی کرد. به نظر می‌رسد که شناخت مفهوم هجا و انواع آن در زبان و شعر فارسی، بزرگترین کمک علم زبان‌شناسی به عروض بوده است که از یک سو باعث تسهیل در توصیف ویژگی‌های وزنی گردید و آن را از بند اسباب و اوتاد عروض عربی رهانید و از سوی دیگر علم عروض فارسی را در روش سامان بخشید. پس از خانلری، ابوالحسن نجفی زبان‌شناس دیگری است که وارد حوزه علم عروض شد و از علم زبان‌شناسی در کشف و شناخت و توصیف ویژگی‌های وزنی بهره فراوان برد. او که بیش از چهل سال عمر خود را صرف علم عروض فارسی کرده است با کمک زبان‌شناسی زوایای جدیدی از علم عروض را گشود که قرن‌های متمادی مجهول یا مغفول مانده بود. استمرار وی در مطالعات عروض باعث یافتن دایره‌ای بود که به نام او مشهور و با نامش همراه شد. در این نوشته قصد داریم به اهمیت این دایره در عروض فارسی و قابلیت‌های منحصر به فرد آن پردازیم.

۲- نگاهی گذرا به دایره‌های عروض عربی

سابقه استخراج دایره‌های عروضی به زمان تأسیس علم عروض عربی باز می‌گردد، به طوری که خلیل بن احمد فراهیدی (وفات: ۱۷۰ق) همه بحرهای پانزده‌گانه را در پنج دایره گنجانید که به دایره‌های عروضی مشهور شدند. همچنین به نظر می‌رسد که خلیل احمد برای دایره‌ها نامی برنگزید، بلکه شاگردانش پس از او، هر دایره‌ای را به نامی خواندند. پنج دایره عروض عربی عبارت‌اند از:

- دایره مختلفه شامل بحرهای طویل، مدید، بسیط.
- دایره مؤتلفه حاوی بحرهای وافر و کامل.
- دایره مجتلبه حاوی بحرهای هزج، رجز، رمل.
- دایره مشتبهه حاوی بحرهای سریع، منسرح، خفیف، مضارع، مقتضب، مجتث.
- دایره متفقه حاوی بحر متقارب. (نک: قهرمانی مقبل، ۱۳۹۰: ۳۴-۲۹)

بحر متدارک، اگرچه در دایره متفقه می‌گنجد، ولی خلیل بن احمد آن را به‌عنوان یک بحر به‌رسمیت نشناخته است. جالب اینکه بدانیم ترتیب دایره‌ها و سپس بحر‌ها در عروض عربی، به همان ترتیبی که خلیل آورده است پذیرفته شده و به‌کار رفته است به‌طوری که نه‌تنها دایره مختلفه به‌عنوان نخستین دایره عروضی پذیرفته شده، بلکه بحر طویل هم به‌عنوان نخستین بحر مورد قبول واقع شده است.

دایره‌های عروض عربی به نوعی دسته‌بندی بحر‌ها منجر شده است، مهم‌تر از آن معیار اصلی تشخیص سبب و وتد است و این که هر بحری در دایره، نقطه آغازی دارد که این نقطه آغاز (فک) در وهله اول یک وتد و پس از آن یک سبب است؛ به این معنا که نقطه آغاز هیچ بحری از میان یک وتد نخواهد بود که منجر به تجزیه وتد شود.

اگرچه وضع کردن برخی از دایره‌ها مانند دایره سوم، یعنی دایره مجتلبه (حاوی هزج، رجز، رمل)، بسیار آسان است، نبوغ خلیل در وضع دایره اول و مهم‌تر از آن در دایره چهارم یعنی دایره مشتبه آشکار می‌شود. دایره‌ای با ترتیب هجایی شگفت که پنج بحر از آن استخراج شده است؛ دایره‌ای با دو وتد مجموع و یک وتد مفروق در میان سبب‌های خفیف. در اینجا قصد آن نیست که به‌تفصیل به این موضوع پرداخته شود، بلکه هدف آن بود که به‌صورت گذرا دایره‌های عروض عربی معرفی شود که همواره مورد توجه عروض سنتی فارسی نیز بوده است.

۳- عروض سنتی فارسی و دایره‌های عروضی

عروض سنتی که شیفته عروض عربی بوده، کوشیده است که تا حد امکان وزن‌های شعر فارسی را در دایره‌های عروض عربی بگنجانند، ولی با توجه به تفاوت‌های وزن شعر فارسی و عربی، مسیر این کار چندان هموار نبوده است، لذا علمای عروض سنتی دست به ابتکار زده و دایره‌های دیگری را نیز وضع کرده‌اند. به‌طور مثال، هم شمس قیس و هم خواجه نصیرالدین طوسی دایره نخست عروض عربی را مناسب شعر فارسی نمی‌دانند و دلیل آن هم روشن است، بحرهای مستخرج از آن یعنی طویل و مدید و بسیط، هیچ‌کدام در شعر فارسی کاربرد ندارند.

(شمس قیس، ۱۳۶۰: ۷۸، ۹۶؛ خواجه نصیر، ۱۳۹۳: ۲۹)

از سوی دیگر، شمس قیس در دایره مختلفه، بحرهای منسرح و مضارع و مقتضب و مجتث را قرار می‌دهد (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۱۳۸) و در دایره منتزعه بحرهای سریع، غریب، قریب،

خفیف و مشاکل را (همان: ۱۶۲). این در حالی است که در عروض عربی بحرهای سریع و خفیف در کنار بحرهای منسرح، مقتضب و مجتث قرار دارند و از یک دایره (دایره مشتبهه) استخراج می‌شوند.

البته شمس قیس، به‌نقل از دیگر عروضیان عجم پیش از خود، یعنی بهرامی سرخسی و بزرجمهر قسیمی سه دایره دیگر را هم ذکر می‌کند به نام‌های دایره منعکسه، دایره منعلقه، دایره منغلطه (همان: ۱۸۲-۱۸۱). سپس هر سه این دایره‌ها را رد می‌کند و بحرهای مستخرج از آن‌ها را «بحور مستحدث ثقیل» معرفی می‌کند. این امر نشان‌دهنده آن است که اهتمام و توجه به دایره عروضی و کوشش برای یافتن دایره‌های عروض فارسی به سده‌های نخست پایه‌گذاری عروض فارسی باز می‌گردد.

خواجه نصیر نیز در کنار دایره‌های مشترک میان عروض عربی و عروض فارسی همچون دایره مجتلبه (هزج، رجز، رمل) و دایره متفقه (مقارب)، دایره‌هایی خاص شعر فارسی معرفی می‌کند که از آن جمله دایره مجتلبه مزاحفه (هزج مکفوف، رجز مطوی، رمل مخبون) (همان: ۳۴-۳۵) و دایره مشتبهه مئمنه (منسرح: مفتعلن فاعلات دو بار، خفیف: فاعلاتن مفاعلن دو بار، مضارع: مفاعیل فاعلات دو بار، مقتضب: فاعلات مفتعلن دو بار، مجتث: مفاعلن فاعلاتن دو بار) است (همان: ۳۶-۳۵).

واقعیت آن است که عروض سنتی در مسئله دایره‌ها نیز همانند دیگر مباحث عروض آشفته است، به‌طوری که این دایره‌ها کمک قابل توجهی به رفع مشکلات و آشفته‌گی‌های علم عروض نکرده است.

چنان‌که پیش از این آورده شد، دایره‌ها در عروض عربی دو کارکرد مهم داشته است: یکی تشخیص سبب و وتد و داشتن معیار صحیح برای فک بحرهای، و دوم دسته‌بندی بحرهای. از آنجا که مقوله سبب و وتد خاص عروض عربی است و هیچ کارایی در عروض فارسی ندارد (نک:

۱- از نظر خاورشناس آلمانی، گوتهولد ویل Gotthold Weil، هدف اصلی خلیل از وضع دایره‌ها نشان‌دادن ترتیب هجایی بحرهای و به‌تعبیر عروضیان قدیم، نشان‌دادن ترتیب حروف متحرک و ساکن بر روی دایره نبوده است، بلکه او در وضع دایره‌ها به‌دنبال تمایز وتد از سبب بوده است. ویل عنوان می‌کند که بر روی هجای بلند و تد یک ضرب‌آهنگ (تکیه؟) قرار دارد. در نظر او، وتد که حامل ضرب‌آهنگ است خود به دو دسته تقسیم می‌شود: ضرب‌آهنگ خیزان (rising rhythm) در وتد مجموع که هجای دوم آن بلند است و ضرب‌آهنگ افتان (falling rhythm) در وتد مفروق که هجای اول آن بلند است و تنها در دایره چهارم یعنی دایره مشتبهه دیده می‌شود. بر همین اساس، ویل اساس نظام وزنی عربی را کتی صرف نمی‌داند بلکه کتی-تکیه‌ای عنوان می‌کند (ویل، ۱۹۶۰: ۶۷۴).

قهرمانی مقبل، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۱۵)، بنابراین کارکرد نخست دایره، در عروض فارسی فاقد اعتبار است. در بحث دسته‌بندی نیز دایره‌ها نتوانسته‌اند چندان کارکردی داشته باشند، زیرا علمای عروض سنتی اساساً به دنبال چنین منظوری نبودند و شاید بتوان گفت که از این ظرفیت دایره‌های عروضی غافل بوده‌اند.

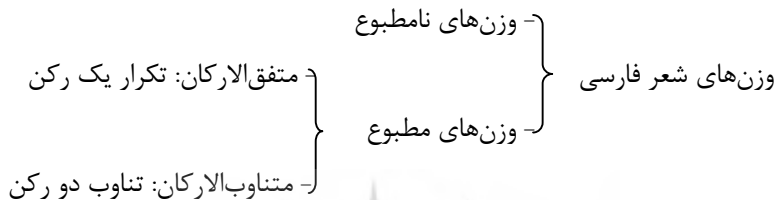
۴- خانلری و دایره‌های عروضی

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های خانلری طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی بود، مسئله‌ای که عروض سنتی به‌طور کامل از آن غفلت ورزیده بود. خانلری «طبقه‌بندی را موجب سهولت فهم» می‌دانست (ناتل خانلری، ۱۳۷۳: ۱۸۵)، از این رو برای طبقه‌بندی وزن‌ها متوجه کارکرد دایره‌های عروضی شد. خانلری پس از معرفی روش خود در وضع دایره‌ها چنین می‌گوید: «میان پانزده سلسلهٔ اوزان که شرح خواهیم داد چهار دایره از موضوعات خلیل بن احمد است و سه دایره از عروض دانان ایرانی می‌باشد. یکی از دوایر خلیل را که بحور بسیط و مدید و طویل از آن استخراج می‌شود بنده رد کرده است، زیرا این دایره چنان که دیده خواهد شد فرع دایرهٔ دیگری است که او و عروض دانان ایرانی بدان پی نبرده‌اند. نه سلسلهٔ دیگر را بنده خود یافته است.» (همان: ۱۸۴)

ما در اینجا درصدد نقد شیوهٔ خانلری در طبقه‌بندی شعر و وضع دایره‌های عروضی او نیستیم، زیرا ابوالحسن نجفی به تفصیل به نقد شیوهٔ خانلری پرداخته و نکات بسیار ظریفی را متذکر شده است (نجفی، ۱۳۹۴: ۴۹-۳۳). اما ذکر دو نکته دربارهٔ اینکه چرا خانلری در وضع دایره‌ها به موفقیت کامل دست نیافت خالی از فایده نخواهد بود: نخستین نکته این است که خانلری در وضع رکن‌های عروضی ناکام بود (نک: قهرمانی مقبل، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۲). شایان ذکر است که میان رکن‌های عروضی و دایره‌ها، رابطه‌ای دوسویه وجود دارد؛ یعنی تعیین درست و نظام‌مند رکن‌ها، به وضع دوایر یاری می‌رساند و دوایر نیز به استخراج رکن‌ها کمک می‌کند، ولی در هر حال، اگر رکن‌های عروضی نظام‌مند نباشد - چنان که در نزد خانلری شاهد آن هستیم - به رسم دوایر نیز لطمه خواهد زد. نکتهٔ مهم دیگر اینکه خانلری معیار دقیقی برای وزن‌های مطبوع و نامطبوع نیافته بود.

۵- روش نجفی در طبقه‌بندی وزن‌ها

ابوالحسن نجفی، برای نخستین بار در تاریخ عروض فارسی، معیاری برای وزن مطبوع و وزن نامطبوع می‌یابد (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۱۷). وزن‌های نامطبوع را به کنار می‌گذارد و به دنبال یافتن روشی برای تقسیم‌بندی وزن‌های مطبوع می‌گردد. او وزن‌های مطبوع را هم به دو دسته تقسیم می‌کند؛ وزن‌هایی که از تکرار یک رکن عروضی به دست می‌آیند و وزن‌هایی که با نظم خاصی از هجاهای کوتاه و بلند از تناوب دو رکن به دست می‌آیند. بنابراین:



یکی از دلایل موفقیت نجفی در طبقه‌بندی وزن‌ها، روش‌مندی او در استخراج رکن‌های عروضی است. رکن‌های اصلی در نظر نجفی سه‌هجایی و چهارهجایی و پنج‌هجایی است. نجفی با توجه به احتمالات موجود در تعداد و ترتیب هجاهای کوتاه و بلند، ۲۳ رکن به دست می‌آورد (نک: همان: ۱۲۶). او چند سال بعد دو رکن دیگر را نیز به رسمیت می‌شناسد: مستفعلاتن، فاعلیتاتن (نجفی، ۱۳۹۴: ۱۶۵).

هر کدام از رکن‌های به دست آمده این قابلیت را دارند که از طریق تکرار، یک خانواده وزنی را تشکیل دهند. اگرچه این قابلیت نیز وجود دارد که به دلیل تشابه‌های میان تعدادی از رکن‌ها، آن‌ها را در یک سلسله قرار داد و برای آن‌ها دایره‌ای رسم کرد، مانند رکن‌های مفاعیلن و فاعلاتن و مستفععلن، شبیه همان کاری که در عروض سنتی و نیز ضمن دایره‌های خانلری دیده می‌شود. رسم چنین دایره‌هایی در نزد نجفی بسیار سهل و آسان بوده است، زیرا توفیق در استخراج رکن‌ها، راه را برای انجام این کار هموار کرده است، ولی نجفی مطلقاً نیازی به رسم چنین دایره‌هایی ندیده است.

۶- دایره نجفی

نجفی پس از دسته‌بندی وزن‌های حاصل از یک رکن، به دنبال یافتن راهی برای دسته‌بندی وزن‌هایی است که حاصل تناوب دو رکن است. همین جستجو او را به سوی یافتن دایره‌ای مهم

در علم عروض رهنمون می‌شود. به دلیل اهمیت موضوع بهتر است، این جستجو و کشف را از زبان خود او بشنویم:

برمی‌گردم به دنباله سخنم، ۳۰۰ وزن را فهرست کرده بودم و در اختیار داشتم، ۱۸۰ وزن را براساس رکن‌های سه‌هجایی و چهارهجایی و پنج‌هجایی طبقه‌بندی کردم، ۱۲۰ وزن باقی مانده بود که در این‌ها جا نمی‌گرفت. پس دچار تردید شدم که مبادا راهی که رفته‌ام، راه غلطی بوده است. خوب، یک ذهن ساده‌بین ممکن است بگوید این ۱۲۰ وزن استثناست. البته خجالت‌آور است که از میان ۳۰۰ وزن بگویم ۱۲۰ تای آنها استثناست. این مسئله مدت‌ها وقت مرا گرفت. شعرهایی می‌نوشتم که در آن تکرار وجود نداشت. درباره آن‌ها می‌اندیشیدم. ناگهان یک تصادف به من کمک کرد که مسئله را حل کنم. روزی تقطیع شعرهای زیر را می‌نوشتم:

دانی که چنگ و عود چه تقریر می‌کنند پنهان خورید باده که تکفیر می‌کنند
(حافظ)

هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم نبود بر سر آتش میسر م که نجوشم
(سعدی)

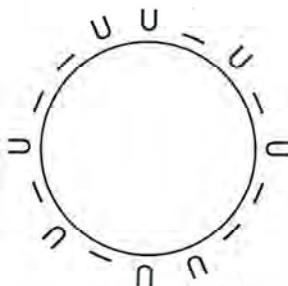
بر سر آنم که گر ز دست برآید دست به کاری ز نم که غصه سر آید
(حافظ)

شورشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پتال جامع علوم انسانی

تصادف چنین بود که تقطیع همه را از سر نوشته بودم. ناگهان دیدم میان آن‌ها شباهتی برقرار شده است. اگر دو هجای بلند اولی را بردارید، عیناً وزن بیت دوم تکرار می‌شود، و اگر سه هجای اول وزن دوم را بردارید، عیناً وزن سوم حاصل می‌شود. این اتفاق مرا به فکر فرو برد. میان سه وزنی که هیچ ارتباطی با هم ندارند، سه وزن کاملاً مختلف، شباهت‌هایی پیدا شد. اینجا بود که من برای اولین بار از دایره استفاده کردم. تا آن لحظه من نیازی نمی‌دیدم که از دوا

عروضی استفاده کنم. در این لحظه به خودم گفتم من یک دایره عروضی می‌کشم و این وزن‌ها را در آن دایره می‌برم. الان سه وزن در این دایره جا گرفته است، حال ببینم چند وزن دیگر جا می‌گیرد؟ عرض کردم که ۱۲۰ وزن در اختیارم قرار داشت که نمی‌دانستم جای آن‌ها کجاست. این دایره را کشیدم:



حال اگر برخلاف حرکت عقربه‌های ساعت روی این دایره حرکت کنیم، وزن‌های متعددی در آن می‌گنجد. من به این طریق ۸۰ وزن مختلف را در این دایره جا دادم. باز ۴۰ وزن باقی مانده بود و نمی‌خواستیم بگوییم این چهل تا استثناست و در این نظام نمی‌گنجد. دقت کردم دیدم اگر معکوس این دایره را در جهت عقربه‌های ساعت حرکت کنم، آن ۴۰ تای دیگر هم در همین دایره می‌گنجد.

بنابراین، ۳۰۰ وزن به این طریق در دو گروه وزنی قرار گرفت که یک نظام درست می‌کرد. گروه اول تکرار مقادیر متساوی بود که سه دسته بیشتر نداشت: سه‌هجایی، چهارهجایی، پنج‌هجایی. گروه دوم ظاهراً تکرار مقادیر متساوی نیست، ولی به‌هرحال یک دایره است که در آن زمان ۱۲۰ وزن را در آن گنجاندم، سپس از آن زمان به بعد، وزن‌های دیگری نیز پیدا کردم و در حال حاضر ۴۰۰ وزن در اختیار دارم. به همین صورت تمام این وزن‌ها یا در گروه اول یا در گروه دوم می‌گنجد (نجفی، ۱۳۸۷: ۱۱۷-۱۱۵).

بر ما معلوم نیست که ابوالحسن نجفی این دایره عروضی را دقیقاً چه موقع یافته است، ولی برای نخستین بار در تیرماه ۱۳۸۶ش در ضمن یک سخنرانی در بنیاد ایران‌شناسی رسماً این دایره را معرفی کرده و از ویژگی‌های آن سخن گفته است. این سخنرانی در سال ۱۳۸۷ش در

ضمن مجموعه سخنرانی‌های مشترک فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد ایران‌شناسی به چاپ رسیده است.

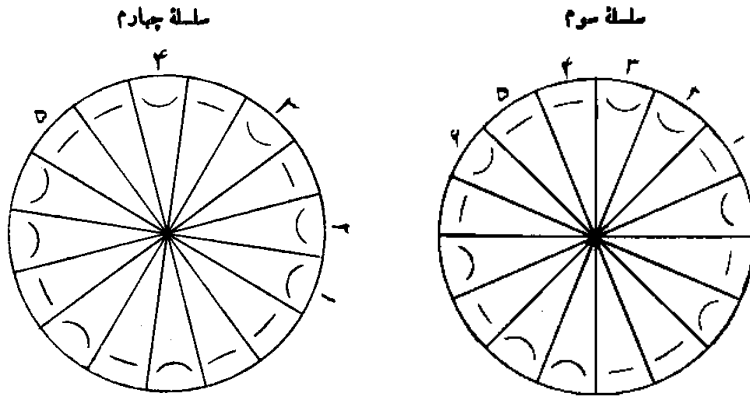
اما در خصوص نام‌گذاری این دایره به نام نجفی بیان این نکته خالی فایده نیست که برای نخستین بار نگارنده این سطور در سال ۱۳۸۹ پیشنهاد کرد که به پاس زحمات وی در علم عروض این دایره، «دایره نجفی» نامیده شود (قهرمانی مقبل، ۱۳۸۹: ۵۴، ۵۵، ۵۸). طیب‌زاده نیز در مقدمه مفصل خود بر مقالات همایش وزن شعر فارسی و اشعار ایرانی با عنوان «سنت، توصیف و نظریه در عروض فارسی» بر این نام‌گذاری تصریح کرده است (طیب‌زاده، ۱۳۹۰: ۲۲).

نجفی به دلیل اخلاق و تواضعی که همگان از او سراغ دارند، هیچ‌گاه این دایره را صراحتاً به نام دایره نجفی ذکر نکرد، ولی از قراین پیدا بود که از نام‌گذاری خشنود و خرسند است.

۶-۱- اهمیت دایره نجفی در عروض

دایره نجفی چندان پیچیده به نظر نمی‌رسد، دایره‌ای با ۱۶ هجا (۸ کوتاه و ۸ بلند)، از هر جای دایره که آغاز کنیم، کافی است تا هجای هشتم پیش برویم تا وزن بر ما معلوم شود، زیرا نوع و ترتیب هشت هجای بعدی همانند هشت هجای پیشین خواهد بود. در دایره در دو جا دو هجای بلند متوالی، و در دو جا، دو هجای کوتاه به صورت متوالی آمده است، در موارد دیگر یک هجای کوتاه در کنار یک هجای بلند قرار گرفته است. این به معنی آن است که در شعر فارسی خانواده وزنی وجود ندارد که جزو خانواده وزنی متناوب‌الارکان و مطبوع باشد و در وزن اصلی آن سه هجای بلند متوالی بیاید.

در کتاب *ارکان عروضی* درباره دایره نجفی سخن گفته‌ایم؛ در آن جا آورده‌ایم که پیش از نجفی، خانلری این دایره را در ضمن دو دایره، یعنی دایره سوم را مطابق با دایره نجفی در جهت عکس عقربه‌های ساعت و دایره چهارم را مطابق بر دایره نجفی در جهت عقربه‌های ساعت آورده است:



(خانلری، ۱۳۷۳: ۱۹۰، ۱۹۲)

اما خانلری از دایره سوم تنها شش بحر (شامل ۲۹ وزن)، و از دایره چهارم فقط پنج بحر (شامل ۹ وزن) استخراج نموده است. (نک: همان: ۲۳۸-۲۳۱)

تفاوت کار نجفی و خانلری در این است که این دو دایره هرچند در ضمن دایره‌های دیگر خانلری آمده، اما اهمیت آن حتی بر خود خانلری پوشیده مانده است. خانلری نتوانسته از این دو دایره بهره کافی ببرد؛ به‌طور مثال متوجه شود که وزن‌های مستخرج از این دو دایره، مطبوع هستند. نیز از برخی خانواده‌های وزنی که ممکن است از این دو دایره استخراج شوند، غفلت کرده است.

نجفی به‌دلیل اینکه مسئله طبقه‌بندی وزن‌ها مهم‌ترین دغدغه او بوده است، در این راستا از این دایره بهره فراوان برده و از چیزی فروگذار نکرده است. با وجود این، از این دایره می‌توان استفاده‌های دیگری کرد که منجر به رفع برخی از مشکلات عروض شود، از آن جمله مسئله رکن‌بندی خانواده‌های وزنی و وزن‌های متناوب‌الارکان که از دایره مذکور استخراج می‌شود و وزن‌های دوری که در ضمن این خانواده‌های وزنی قرار می‌گیرند.

با توجه به حضور برخی وزن‌های پرکاربرد شعر فارسی در میان وزن‌های مستخرج از دایره نجفی، که عروض سنتی نیز آن‌ها را متذکر شده است، ممکن است این سؤال پیش بیاید آیا دایره نجفی از یافته‌های عروض جدید است یا آنکه می‌توان از آن در عروض سنتی نشانی به‌دست آورد.

واقعیت آن است که یک وجه از دایره نجفی (خلاف جهت عقربه‌های ساعت) در عروض سنتی آمده است. شمس قیس دایره‌ای آورده با عنوان «دایرهٔ مختلفه» که بحرهای فارسی‌شدهٔ زیر را از آن استخراج کرده است (شمس قیس، ۱۳۶۰: ۱۹۳-۱۹۲):

منسرح: مفتعلن فاعلاتٌ مفتعلن فاعلات.

مضارع: مفاعیلُ فاعلاتٌ مفاعیلُ فاعلات.

مقتضب: فاعلاتٌ مفتعلن فاعلات مفتعلن.

مجتث: مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلاتن.

همچنین خواجه نصیر در ضمن دوایر دایره‌ای را معرفی کرده با عنوان «دایرهٔ مشتبّهةً [مزاحفةً] زاید» که البته شکل آن را ترسیم نکرده است. این دایره همان دایرهٔ مختلفه شمس قیس است و خواجه نصیر علاوه بر چهار بحر فوق، بحر خفیف «فاعلاتن مفاعلن...» و نیز بحر مهملی را (فاعلاتٌ مفاعیلُ...) هم از آن استخراج کرده است (خواجه نصیر، ۱۳۹۳: ۳۶-۳۵).

اما تمامی وزن‌هایی که از معکوس دایرهٔ نجفی قابل استخراج است و در عروض سنتی آمده، با زحافات متعدد به بحرهای دیگر منسوب شده است و برای آن‌ها در عروض سنتی دایرهٔ مستقلی نیامده است. به‌طور مثال: «فاعلاتٌ فاعلاتن...»، رمل مشکول نام‌گذاری شده و از بحر رمل استخراج شده است. همچنین «متفعلن مفاعلن...» یا «مفاعلن مفتعلن...» هر دو به بحر رجز منسوب شده است و همان‌طور که می‌دانیم، برای بحر رمل و بحر رجز در عروض سنتی دایره‌ای آمده و تمامی این وزن‌ها با انواع زحافات از این دایره و دیگر دوایر موجود در عروض سنتی استخراج شده است.

۶-۲- نقش دایرهٔ نجفی در سامان‌دادنِ رکن‌بندیِ وزن‌ها

دایرهٔ نجفی ۱۶هجایی است و شامل وزن‌های متناوب‌الارکان. بنابراین طبیعی است که تمام خانواده‌های وزنی مستخرج از این دایره، یعنی ۸ خانوادهٔ وزنی در خلاف جهت عقربه‌های ساعت و ۸ خانوادهٔ وزنی در جهت عقربه‌های ساعت (نک: نجفی، ۱۳۹۰: ۱۱۸) دارای چهار رکن چهارهجایی باشند، به‌طوری که رکن سوم، متناظر با رکن اول و رکن چهارم متناظر با رکن دوم باشد. بنابراین در وزن‌های معیار که منطبق بر دایره است همواره چنین خواهد بود. در دیگر وزن‌های هر خانوادهٔ وزنی نیز منطبق حکم می‌کند که همین قاعده حکم‌فرما باشد، یعنی هنگام

تقطیع به ارکان در هر وزن، ۴ هجا ۴ هجا مرزبندی می‌کنیم و رکن پایانی ممکن است چهارهجایی، سههجایی، دوهجایی و یکهجایی باشد. به‌طور مثال:

- u - u / - u - - / u u - u / - u - -
- - u / - u - - / u u - u / - u - -
- u / - u - - / u u - u / - u - -

بنا بر روش نجفی، تقطیع به ارکان در وزن‌های حاصل از رکن‌های مکرر، سههجایی و چهارهجایی و پنجهجایی خواهد بود. می‌ماند وزن‌های متناوب‌الارکانی که از دایره استخراج می‌شود. اگر این دایره را بپذیریم و آن را به‌عنوان یکی از دستاوردهای مهم نجفی در علم عروض به‌شمار آوریم، این امر مستلزم آن است که نتایج آن را هم بپذیریم که از جمله آن‌ها تقطیع به ارکان براساس دایره نجفی است. بر این اساس، تمامی وزن‌های مستخرج از دایره نجفی الزاماً باید:

- با رکن چهارهجایی آغاز شوند، نه کمتر نه بیشتر. اما این که وزن دوری باشد یا نباشد، در مرز رکن بعدی تعیین‌کننده خواهد بود.
- اگر وزن دوری نباشد، بی‌تردید رکن دوم نیز چهارهجایی خواهد بود، مگر اینکه مصراع آنقدر کوتاه باشد که کمتر از ۸ هجا باشد.
- از آنجا که رکن سوم متناظر رکن اول است، در صورتی که وزن ۱۲ هجا یا بیشتر باشد، رکن سوم نیز چهارهجایی خواهد بود و اگر وزن شعر بیش از ۸ هجا و کمتر از ۱۲ هجا باشد، تعداد هجای زاید بر ۸ هجا، تعداد هجای رکن سوم خواهد بود.
- اگر وزن بیشتر از ۱۲ هجا داشته باشد، تعداد هجاهای باقی‌مانده از آن رکن چهارم خواهد بود.

اما اگر وزن شعر دوری باشد:

- اول باید تشخیص داد که وزن دوری در کدام گروه وزنی قرار می‌گیرد، در ضمن متفق‌الارکان یا متناوب‌الارکان. اگر در ضمن گروه متفق‌الارکان باشد، بر اساس تکرار یک رکن تقطیع می‌شود که رکن اول ممکن است سههجایی یا چهارهجایی یا پنجهجایی باشد.
- اما اگر وزن دوری در ضمن گروه متناوب‌الارکان باشد که از دایره استخراج می‌شود، در آن صورت رکن اول در هر نیم‌مصراع الزاماً چهارهجایی خواهد بود.

البته ممکن است میراث عروض سنتی که خود بر کاستی‌های آن واقفیم در ما عادت‌هایی را ایجاد کرده باشد و نتیجه این عادت‌ها آن است که به راحتی نتوانیم رکن‌بندی جدید را بپذیریم. اگر کسی منکر عروض جدید است و آن را نادرست می‌داند که با او مناقشه‌ای نیست. اما اگر کسی دستاوردهای عروض جدید، به‌ویژه یافته‌های نجفی، مانند اختیارات شاعری و طبقه‌بندی وزن‌ها را پذیرفته است، باید نتایج آن را نیز بپذیرد. هستند کسانی که پذیرفته‌اند عروض سنتی در بیان وزن رباعی (۲۴ وزن) به خطا رفته است و وزن اصلی رباعی یک وزن بیش نیست و آن با ترتیب هجایی زیر است:

- u u - - u u - - u u - -

حال هنگام تقطیع هجایی هنوز آن را براساس عادت گذشته «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعْلُ» تقطیع می‌کنند. در حالیکه بر اساس روش نجفی، این وزن بر اساس تکرار یک رکن چهارهجایی (مستفعل) است.

پیش از این در جای دیگری گفته‌ایم که رکن‌های عروضی به ذات شعر باز نمی‌گردد بلکه امری قراردادی است (قهرمانی مقبل، ۱۳۸۹: ۶۲). بنابراین بهتر آن است که رکن‌های عروضی در خدمت علم عروض باشد و هماهنگ با دیگر جوانب این علم، به طوری که رکن‌های عروضی این قابلیت را دارد که در خدمت طبقه‌بندی وزن و ارائه ساده‌ترین راه برای باز یافتن شعر در خانواده وزنی متناسب با آن باشد.

حال اگر رباعی را براساس «مفعولُ مفاعیلُ مفاعیلُ فَعْلُ» تقطیع کنیم، این تقطیع ما را سردرگم خواهد کرد، زیرا این تقطیع، نه متفق‌الارکان است و نه متناوب‌الارکان. اما رکن‌بندی «مستفعلُ مستفعلُ مستفعلُ فَعْلُ» بازگوکننده این است که این وزن بر اساس تکرار رکن مستفعل است و جایگاه آن در خانواده وزنی‌اش به آسانی مشخص خواهد شد. همچنین در ترتیب هجایی زیر:

- u / - u - - / u u - u - / - u - -

این وزن (4.7.14) که براساس آمار الول ساتن^۱ (۱۹۷۶: ۱۶۲) دومین وزن پرکاربرد شعر فارسی است در عروض سنتی به صورت «مفعولُ فاعلاتُ مفاعیلُ فاعلن» تقطیع شده است. اگر روش نجفی را پذیرفته باشیم که وزن‌های مطبوع در شعر فارسی یا متفق‌الارکان یا

1. L. P. Elwell-Sutton

متناوب‌الارکان است، باید در رکن‌بندی این وزن به‌دنبال نظمی باشیم که در یکی از دو گروه بگنجد. پس از بررسی ساده متوجه می‌شویم که در گروه اول قرار نمی‌گیرد، زیرا در آن نظمی براساس تکرار ۳ هجا، یا ۴ هجا یا ۵ هجا نمی‌یابیم. بنابراین متناوب‌الارکان است و ۱۴ هجا دارد و از طرف دیگر دوری نیست. پس بنابر روشی که پیش از این بر اساس دایرهٔ نجفی ارائه کردیم، اگر ۴ هجا ۴ هجا رکن‌بندی کنیم، بی‌تردید به رکن‌بندی متناوب دست می‌یابیم یعنی به‌صورت زیر:

- ۰ / - ۰ - - / ۰ ۰ - ۰ / - ۰ - -

مستفعلن مفاعیلُ مستفعلن فَعْل (= مفا)

اگر بخواهیم از یافته‌های نجفی بهرهٔ کاربردی ببریم، ناچاریم این رکن‌بندی را بر رکن‌بندی سنتی ترجیح دهیم تا کم‌کم بر تقطیعی که گوشمان به آن عادت کرده است فائق آییم. تجربهٔ نگارنده این بود که این وزن را مدت زمانی با رکن‌بندی مذکور تقطیع کردم، باورش شاید دشوار به نظر برسد، ولی هنگامی که می‌خواستم تقطیع سنتی را نیز ذکر کنم، با دشواری و درنگ، تقطیع سنتی را به خاطر می‌آوردم. به کسانی که عروض را نه به‌صورت تفننی، بلکه به‌صورت جدی دنبال می‌کنند، پیشنهاد می‌شود همچنانکه در اختیارات شاعری، در ضرورت‌های وزنی، در طبقه‌بندی وزن‌ها و وزن‌های دوری، یافته‌های عروض به‌ویژه پژوهش‌های نجفی را پذیرفته‌اند، در رکن‌بندی نیز هماهنگ با قواعد عروض جدید باشند تا علم عروض، علمی هماهنگ و منسجم باشد.

۳-۶- دایرهٔ نجفی و استخراج رکن‌های عروضی

فایدهٔ دیگر دایرهٔ نجفی این است که دو رکن «فِعْلَاتُ» و «مفاعِلُ» در ضمن رکن‌های عروضی قرار می‌گیرد؛ اگرچه نجفی آن‌ها را در میان رکن‌های عروضی نیاورده است و دلیل آن این است که نجفی تنها به قصد تعیین وزن‌های گروه نخست؛ یعنی وزن‌های متفق‌الارکان، رکن‌های عروضی را استخراج کرده است.

اگر برای وزن‌های متکی بر دایرهٔ نجفی تقطیع چهاررکنی را بپذیریم، برای ۱۶ خانوادهٔ وزنی مستخرج از دایره می‌توان ۱۰ رکن زیر معین کرد:

«مفاعِلن، فاعلاتُ، مفاعیلُ، مفتعلن، فعلاتن، مستفعلُ، مستفعلن، فاعلاتن، مفاعِلُ، فِعْلَاتُ»

هشت رکن نخست با رکن‌های نجفی برای وزن‌های متفوق‌الارکان مشترک است، زیرا از تکرار هریک از این رکن‌ها به‌تنهایی یک خانواده وزنی به‌دست می‌آید، ولی از تکرار دو رکن مفاعیل و فَعِلَاتْ خانواده وزنی به‌دست نمی‌آید، زیرا منجر به توالی سه هجای کوتاه می‌شود که با اساس وزن شعر فارسی ناسازگار است، ولی در وزن متناوب‌الارکان امکان حضور دارند. به‌طور مثال: «فَعِلَاتْ فاعلاتن فَعِلَاتْ فاعلاتن». این وزن از دایره استخراج می‌شود و شعر سنتی هم این وزن را با همین تقطیع به‌رسمیت می‌شناسد. بنابراین باید پذیرفت که فَعِلَاتْ (همچنین مفاعیل) جزو رکن‌های عروضی فارسی است، اگرچه نجفی آن‌ها را ذکر نکرده است.

۴-۶- خانواده‌های وزنی مستخرج از دایره نجفی

چنان‌که پیش از این آوردیم، دایره نجفی ۱۶ هجایی است و شامل وزن‌های متناوب‌الارکان. بنابراین طبیعی است که تمام خانواده‌های وزنی مستخرج از این دایره دارای چهار رکن چهار هجایی باشند، به‌طوری که رکن سوم، متناظر با رکن اول و رکن چهارم متناظر با رکن دوم باشد. از این دایره ۸ خانواده وزنی در خلاف جهت عقربه‌های ساعت و ۸ خانواده وزنی در جهت عقربه‌های ساعت، به‌دست می‌آید. تفصیل این خانواده‌های وزنی به‌شرح زیر است:



خانواده‌های وزنی مستخرج از دایره اول (خلاف جهت عقربه‌های ساعت):

۱. مفاعِلن فَعِلَاتن مفاعِلن فَعِلَاتن - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
۲. فاعِلَاتْ مفاعیلْ فاعِلَاتْ مفاعیلْ - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
۳. مفاعیلْ مستفعلنْ مفاعیلْ مستفعلنْ - - - - / - - - - / - - - - / - - - -

وزن‌های مطبوع قرار می‌گیرد و این امکان را در اختیار شاعر پارسی‌گو قرار می‌دهد که از قابلیت‌های موجود در دایره بهره ببرد و وزنی بیابد که هم جدید و هم مطبوع باشد. همانطور که ملاحظه شد، تمامی رکن‌های مستخرج از دایره چهار هجایی است که در هر خانوادهٔ وزنی به صورت دو رکن متناوب جلوه‌گر می‌شود. شکل زیر از دایره، قابلیت دیگری از آن را متجلی می‌سازد، ما در چهار موضع از دایره، فلشی رسم کردیم که بیانگر آن است که اگر از هر نقطه از دایره شروع کنیم و چهار هجا پیش برویم، یک رکن چهارهجایی به دست می‌آید، حال با جا به جا کردن دو هجای کوتاه و بلند در مواضع مشخص شده، رکن مجاور آن حاصل می‌شود که نشان‌دهندهٔ خانوادهٔ وزنی از آن نقطه است. این فلش‌ها منجر به سرعت عمل بیشتر در تشخیص خانواده‌های وزنی مستخرج از دایره است. نکتهٔ قابل تأمل اینکه این ویژگی در هر دو جهت از دایره یعنی هم در جهت خلاف عقربه‌های ساعت و هم موافق با حرکت عقربه‌های ساعت صدق می‌کند. به طور مثال در خلاف جهت عقربه‌های ساعت:

← - u - u - (= مفتعلن فاعلات)



۵-۶- دایرهٔ نجفی در کتاب طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی

مطالبی که تاکنون دربارهٔ دایرهٔ نجفی عنوان شد، براساس آثار منتشرشدهٔ وی تا زمان حیات ایشان بود. براساس کتاب طبقه‌بندی وزن شعر فارسی که به سال ۱۳۹۷ به‌همتِ امید طبیب‌زاده منتشر شده است، نجفی در «دستهٔ مستقیم دایره»، ۸ بحر نخست را از ۱ تا ۸ و بحرهای معکوس دایره را از ۹ تا ۱۶ شماره‌گذاری کرده است. بحرهای مستقیم دایره با «فعالتن

مفاعِلن»، و بحرهای معکوس دایره نیز با «فَعَلاتُ فاعلاتن» آغاز می‌شود (نجفی، ۱۳۹۷: ۲۴-۲۳؛ ۴۱۷-۲۷۱). این در حالی است که نجفی پیش از این، بحرهای این دایره را - خواه مستقیم دایره و خواه معکوس آن- از نقطهٔ دیگری آغاز کرده بود؛ به طوری که نخستین بحر مستقیم دایره را «مفاعِلن فَعَلاتن»، و نخستین بحر معکوس دایره را «مفاعِلن مَفْتَعِلن» در نظر گرفته بود و این مهم‌ترین تفاوتی است که در این کتاب، در مقایسه با کارهای قبلی نجفی در این خصوص دیده می‌شود و البته این تفاوت، یک تفاوت جوهری به‌شمار نمی‌آید. اکنون ترتیب خانواده‌های وزنی را براساس کتاب طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی می‌آوریم:

خانواده‌های وزنی مستخرج از مستقیم دایره (خلاف جهت عقربه‌های ساعت):

۱. فَعَلاتن مفاعِلن فَعَلاتن مفاعِلن - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۲. مفاعِلُ فَعَلاتُ مفاعِلُ فَعَلاتُ - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۳. مستفَعِلن مفاعِلُ مستفَعِلن مفاعِلُ - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۴. فَعَلاتُ مَفْتَعِلن فَعَلاتُ مَفْتَعِلن - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۵. مفاعِلن فَعَلاتن مفاعِلن فَعَلاتن - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۶. فَعَلاتُ مفاعِلُ فَعَلاتُ مفاعِلُ - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۷. مفاعِلُ مستفَعِلن مفاعِلُ مستفَعِلن - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۸. مَفْتَعِلن فَعَلاتُ مَفْتَعِلن فَعَلاتُ - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
- خانواده‌های وزنی مستخرج از معکوس دایره (موافق جهت عقربه‌های ساعت):
۹. فَعِلاتُ فاعلاتن فَعِلاتُ فاعلاتن - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۱۰. مفاعِلن مفاعِلُ مفاعِلن مفاعِلُ - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۱۱. فَعَلاتُ مستفَعِلُ فَعَلاتُ مستفَعِلُ - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۱۲. مفاعِلن مَفْتَعِلن مفاعِلن مَفْتَعِلن - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۱۳. فاعلاتن فَعِلاتُ فاعلاتن فَعِلاتُ - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۱۴. مفاعِلُ مفاعِلن مفاعِلُ مفاعِلن - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۱۵. مستفَعِلُ فَعَلاتُ مستفَعِلُ فَعَلاتُ - - - - / - - - - / - - - - / - - - -
 ۱۶. مَفْتَعِلن مفاعِلن مَفْتَعِلن مفاعِلن - - - - / - - - - / - - - - / - - - -

۶-۶- فراوانی رکن‌های عروضی در دایره نجفی

بسامد رکن‌های عروضی بر اساس ۱۶ خانواده وزنی مستخرج از دایره به شرح زیر است:

| جمع | دایره دوم | دایره اول | رکن | |
|-----|-----------|-----------|---------|---------|
| ۱۲ | ۸ | ۴ | - و - و | مفاعِلن |
| ۱۲ | ۴ | ۸ | و - و - | فاعِلات |
| ۸ | ۴ | ۴ | و - - و | مفاعِلُ |
| ۸ | ۴ | ۴ | - و و - | مفتعلن |
| ۴ | - | ۴ | - - و و | فعلاتن |
| ۴ | - | ۴ | و و و - | مفاعِلْ |
| ۴ | - | ۴ | - و - - | مستفعلن |
| ۴ | ۴ | - | - - و - | فاعلاتن |
| ۴ | ۴ | - | و - و و | فِعِلات |
| ۴ | ۴ | - | و و - - | مستفعلْ |

کمترین فراوانی رکن‌ها در دایره ۴ بار و بیشترین فراوانی ۱۲ بار است. این جدول نشان‌دهنده آن است که دو رکن «مفاعِلن» و «فاعِلات» به دلیل حضور دو هجای کوتاه و دو هجای بلند از یک سو و توالی یک هجای کوتاه در کنار یک هجای بلند از سوی دیگر بیشترین حضور را در دایره دارد. همچنین این دو رکن به دلیل تناسب هجایی، امکان حضور در هر دو دایره را (خلاف حرکت عقربه‌های ساعت و نیز در جهت حرکت عقربه‌های ساعت) دارد. نتیجه دیگری که می‌توان گرفت این است که دو رکن «فاعلاتن» و «مستفعلن» (یک هجای کوتاه و سه هجای بلند) و نیز دو رکن «مفاعِلْ» و «فِعِلات» (سه هجای کوتاه و یک هجای بلند) کمترین حضور را دارند.

۷- نکته پایانی

اگر ترتیب هجایی دایره نجفی را با اندکی جابجایی هجاها به هم بریزیم، دایره‌های دیگری به دست خواهد آمد که البته وزن‌های مستخرج از آن مطبوع نخواهند بود. به طور مثال:

تا امروز. مجموعه سخنرانی‌های نخستین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی و اشعار ایرانی، به کوشش امید طبیب‌زاده. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۳-۳۷. قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۸۹). ارکان عروضی: بررسی یک مشکل تاریخی در علم عروض فارسی. تهران: نیلوفر.

قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۰). عروض و قافیۀ عربی، تهران: سمت. قهرمانی مقبل، علی اصغر (۱۳۹۵). «سبب و وتد: بیانگر ویژگی‌های زبانی یا عروضی؟»، مجله زبان‌شناسی تطبیقی. س ۶، ش ۱۱، ۱۱۵-۱۳۱.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۷۳). وزن شعر فارسی. چ ۶، تهران: توس. نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۷). «طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی (سخنرانی)». نخستین مجموعه سخنرانی‌های مشترک فرهنگستان زبان و ادب فارسی و بنیاد ایران‌شناسی؛ زیر نظر حسن حبیبی و به کوشش حسن قریبی. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۱-۱۰۳.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۰). «دایره‌ای با ۱۸۰ وزن». وزن شعر فارسی از دیروز تا امروز. مجموعه سخنرانی‌های نخستین هم‌اندیشی وزن شعر فارسی و اشعار ایرانی، به کوشش امید طبیب‌زاده. تهران: انتشارات فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ۱۲۲-۱۱۳. نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۴). درباره‌ی طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی. تهران: نیلوفر. نجفی، ابوالحسن (۱۳۹۷). طبقه‌بندی وزن‌های شعر فارسی؛ به همت امید طبیب‌زاده. تهران: نیلوفر.

Aroui, Jean-Louis (eds.), 2009, "Introduction: Proposal for Metrical Typology", in: *Towards a Typology of Poetic Forms; From Language to Metrics and beyond*. John Benjamins Publishing Company, 1-39.

Elwell- Sutton, L. P. (1976). *The Persian Metres*. First edition. Cambridge: Cambridge University Press.

Nespor, M. and Vogel, I., 2007, *Prosodic Phonology; With a new forward*, Berlin, New York, Mouton de Gruyter.

Weil G. (1960). "Arūd. I". *Encyclopaedia of Islam*. New edition, Leiden-London: Brill- Luzac, Volume I, 667-677.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی